



اگر قانون نباشد با عرفان و درویشی نمی‌توان آرامش بشر را تامین کرد

به گفته عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، امانوئل کانت، بعد از آن همه تلاش فلسفی در پایان عمرش به سوی نوشتن کتاب «به سوی صلح پایدار» رفت و دلیلش این است که اگر قانون نباشد با عرفان و درویشی نمی‌توان آرامش بشر را تامین کرد.

به گفته عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، امانوئل کانت، بعد از آن همه تلاش فلسفی در پایان عمرش به سوی نوشتن کتاب «به سوی صلح پایدار» رفت و دلیلش این است که اگر قانون نباشد با عرفان و درویشی نمی‌توان آرامش بشر را تامین کرد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، در جلسه «تفسیر قرآن در حکمت متعالیه» که دوشنبه 5 خرداد 93 در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد به تفسیر آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و حق را به باطل درنیا میزید و حقیقت را با آنکه خود میدانید کتمان نکنید» (البقره/۴۲) پرداخت و اظهار کرد: خداوند در این آیه دستور می‌دهد که حق را با باطل نپوشانیم و توضیح مطلب این است که گاهی اوقات، جمله‌ای حق است اما روشن نیست و قابل تفسیرهای مختلف است و می‌توان در آن دست برده و آن را تحریف کرد اما گاهی به قدری صریح است که هیچ احتمال دیگری در آن نیست و نمی‌توان تفسیر دیگری از آن ارائه داد.

عالمان حقیقت را کتمان می‌کنند

وی افزود: این عبارت را ملاصدرا این گونه معنا می‌کند و می‌گوید جمله اول که حق را لباس باطل نپوشانید مربوط به جملات دوپهل و جملاتی است که تاب تحمل معنایی دیگر را دارد و می‌توان آن را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرد اما جمله دوم که مربوط به کتمان حق است آنجایی است که حق کاملاً واضح است اما آن را کتمان می‌کنند.

محقق داماد اظهار کرد: او می‌گوید: کسانی می‌توانند حقیقت را کتمان کنند که عالم‌اند، چون عوام توانایی این کار را ندارند. دروغ را کسی می‌گوید که حقیقت را می‌داند. مطالبی که در این آیه آمده است خطاب به عالمان یهود است چون در میان ادیان مخالف، آنکه هرگز با مسلمانان آشتی نکرده، دین یهود است.

وی افزود: ابن ابی العوجا که شخصی اصالتاً یهودی بود روزی به امام صادق(ع) گفت: تو که خدا را نمی‌بینی چگونه او را می‌پرستی؟ امام صادق به تحولات روحی او اشاره کرد و گفت تو از نوزادی تا پیری مراحل را طی کرده‌ای و همه اینها به دست چه کسی انجام شده است؟ آیا تو خود را متحول کرده‌ای؟ ملاصدرا هم در جلد ششم اسفار به این مطلب اشاره کرده است.

عالمانی که حق را لباس باطل می‌پوشانند

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: همانگونه که عنوان شد خطاب این آیه به عالمان است اما ملاصدرا در ذیل این آیه شریفه می‌گوید، این خطاب به همه عالمان طول تاریخ که حق را لباس باطل می‌پوشانند است و صرفاً به یهودیان مربوط نمی‌شود.

وی افزود: ملاصدرا، فصلی را به علمای بد اختصاص می‌دهد و می‌خواهد بگوید مراد و منظور این آیه، علمای دین هستند نه عالمانی همانند فیزیکدانان. او از امام فخر رازی هم نقل می‌کند که این امر همه علمای تاریخ را شامل می‌شود. ملاصدرا می‌گوید: چند دسته از علمای دین شامل متکلمین، فلاسفه، عالمین علم تفسیر و عالمین فقه هستند که حق را لباس باطل می‌پوشانند.

آیت‌الله محقق داماد تاکید کرد: ملاصدرا این سخنان را هنگامی زد که دل پری از فقها داشت؛ چون فتوای کفرش را داده بودند و او مجبور شد شبانه از اصفهان فرار کرده و به کوه‌های اطراف قم پناه برده و منزوی شود و کتاب‌هایش را در آنجا نوشت و آنجاست که می‌گوید اکثر کسانی که حق را با باطل می‌پوشانند فقها و عالمان دین هستند.

اگر قانون نباشد با عرفان و درویشی نمی‌توان آرامش بشر را تامین کرد

وی افزود: ملاصدرا اعتقاد دارد این افراد هنگامیکه می‌خواهند به ملوک نزدیک شوند راه راست را گم می‌کنند تا منافع قدرت‌ها را تامین کنند و کارهایی که شاه انجام می‌دهد را جنبه شرعی دهند. ملاصدرا سخنی از ابن عربی نقل می‌کند که می‌گوید ما بسیاری از قضات و فقها را دیده‌ایم که اینگونه رفتار می‌کنند؛ همچنین سخنان غزالی را نیز نقل می‌کند که او نیز به فقها و عالمان دینی ناسزا می‌گوید.

وی ادامه داد: ملاصدرا می‌گوید: تنها علمای علم عرفان هستند که از امراض و ستم به دور هستند و محی‌بن عربی هم معتقد است اگر عارف به خدا برسد دوباره از حق به خلق برمی‌گردد و دست به اصلاح مردم می‌زند اما اگر مردم به حرف او گوش ندادند باید با شمشیر، آن‌ها را هدایت کند.

آیت‌الله محقق داماد تاکید کرد: باید به ابن عربی گفت اگر قانون نباشد ممکن است کسی تصمیم بگیرد همه مردم را بکشد. کانت، بعد از آن همه تلاش فلسفی در پایان عمرش به سوی نوشتن کتاب «به سوی صلح پایدار» رفت که طرحی حقوقی را برای جهان ارائه داد و دلیلش این است که اگر قانون نباشد با عرفان و درویشی نمی‌توان آرامش بشر را تامین کرد. من در کتاب «فاجعه جهل مقدس» گفته‌ام که اخلاق باید قبل از دین مورد توجه قرار گیرد. کسانی که پسر پیغمبر خدا(ص) را سر بریدند،

مسلمان بودند اما دلیل این کارشان این بود که برای رسیدن به قدرت، دین را مطابق میل خود تفسیر کردند.